



Islamic Maaref University

Scientific Journal

## PAZHUHESH NAME-E AKHLAQ

Vol. 18, Summer 2025, No. 68

### Re-reading the Nature of “Wus” (Moral Capacity) in Light of Individual Differences: An Analysis Based on the Integrative Meta-theory of Ethics

Somayyeh Dargahi<sup>1</sup> \ Hadi Sadeqi<sup>2</sup>

1. PhD Student in Teaching the Islamic Education, Ethics Branch, Quran and Hadith University, Tehran, Iran; Lecturer at Islamic Azad University, Yadegar-e-Imam Branch (Corresponding Author).  
*dargahi.2008@gmail.com*

2. Full Professor, Department of Teaching the Islamic Education, Ethics Branch, Quran and Hadith University, Qom, Iran.  
*sadeqi.hadi@gmail.com*

Abstract Info	Abstract
<b>Article Type:</b> Research Article	The central problem of this research is that classic normative ethical theories, due to their single-criterion approaches, face challenges in explaining a moral system consistent with the existential complexities of human beings. Aiming to address this deficiency, this study re-reads the nature of the concept of <i>Wus</i> ’ (capacity/potential) as the cornerstone of moral obligation. The main question is: What is the nature and what are the indicators of <i>Wus</i> ’, and how does it affect moral obligation? This research, using a descriptive-analytical method and referencing religious texts, identifies the individual differences that influence <i>Wus</i> ’. The findings indicate that <i>Wus</i> ’ is not an abstract capacity but a concrete result of internal and external assets that form the unique <i>Shakilah</i> (disposition/structure) of the moral agent—a structure that, while preserving the central role of the will, provides the ground for different actions. Consequently, moral obligation is a matter proportionate to the <i>Shakilah</i> and <i>Wus</i> ’ of each agent, which reveals the necessity of transitioning from uniform criteria toward a “plurality of criteria,” a principle upon which the “Integrative Meta-theory of Ethics” is based.
<b>Received:</b> 2025/02/02	
<b>Accepted:</b> 2025/05/29	
<b>Keywords</b>	Normative Ethics, Integrative Meta-theory of Ethics, <i>Wus</i> ’ (Moral Capacity), Individual Differences, <i>Shakilah</i> (Disposition), Plurality of Criteria, Moral Obligation, Moral Agent, Will.
<b>Cite this article:</b>	Dargahi, Somayyeh & Hadi Sadeqi (2025). Re-reading the Nature of “Wus” (Moral Capacity) in Light of Individual Differences: An Analysis Based on the Integrative Meta-theory of Ethics. <i>Pazhuhesh Name-E Akhlaq</i> . 18 (2). 55-72. DOI: ??
<b>DOI:</b>	
<b>Publisher:</b>	Islamic Maaref University, Qom, Iran.

## إعادة قراءة ماهية «الوسع» في ضوء الفروق الفردية: تحليل علي أساس ما فوق نظرية تكامل الأخلاق

سميه دركاهي<sup>١</sup> / هادي صادقي<sup>٢</sup>

١. طالبة دكتوراه، تدريس المعارف الإسلامية (تخصّص الأخلاق)، جامعة القرآن والحديث، طهران، إيران (الكاتبة المسؤولة).

dargahi.2008@gmail.com

٢. أستاذ، قسم تدريس المعارف الإسلامية (الأخلاق)، جامعة القرآن والحديث، قم، إيران.

sadeqi.hadi@gmail.com

معلومات المادة	ملخص البحث
نوع المقال: بحث	تواجه نظريات الأخلاق المعيارية الكلاسيكية، بسبب اعتمادها مقاربات أحادية المعيار، صعوبة في تفسير نظام أخلاقي ينسجم مع التعقيد الوجودي للإنسان. ويهدف هذا البحث إلى معالجة هذه الإشكالية عبر إعادة قراءة مفهوم «الوسع» بوصفه حجر الأساس في التكليف الأخلاقي. وينطلق السؤال الرئيس من ماهية الوسع ومؤثراته وتأثيره في التكليف. وباستخدام المنهج الوصفي التحليلي والرجوع إلى النصوص الدينية، توصل البحث إلى أنّ الوسع ليس قدرةً مجردة، بل حصيلة انضمامية للمعطيات الداخلية والخارجية التي تُشكّل «الهيئة الوجودية» الخاصة بالفاعل الأخلاقي. وبناءً على ذلك، يتبيّن أنّ التكليف الأخلاقي يتناسب مع وسع وشاكلة كل فاعل، الأمر الذي يبرز ضرورة الانتقال من وحدة المعيار إلى «تعدّد المعايير»، وهو الأساس الذي تقوم عليه ما فوق نظرية تكامل الأخلاق.
تاريخ الاستلام: ١٤٤٦/٠٧/٠٢	
تاريخ القبول: ١٤٤٦/١٠/٠١	
الألفاظ المفتاحية	الأخلاق المعيارية، ما فوق نظرية تكامل الأخلاق، الوسع، الفروق الفردية، الشاكلة، تعدّد المعايير، التكليف الأخلاقي.
الاقتباس:	دركاهي، سميّه و هادي صادقي (١٤٤٧). إعادة قراءة ماهية «الوسع» في ضوء الفروق الفردية: تحليل علي أساس ما فوق نظرية تكامل الأخلاق. مجلة علمية النشرة الاخلاقية. ١٨ (٢). ٧٢ - ٥٥. DOI: ??
رمز DOI:	??
الناشر:	جامعة المعارف الإسلامية، قم، إيران.



# پژوهش‌نامه اخلاق

نشریه علمی

سال ۱۸، تابستان ۱۴۰۴، شماره ۶۸

## بازخوانی ماهیت «وسع» در پرتو تفاوت‌های فردی: تحلیلی بر مبنای فرانظریه یکپارچگی اخلاق

سمیه درگاهی<sup>۱</sup> / هادی صادقی<sup>۲</sup>

۱. دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی گرایش اخلاق، دانشگاه قرآن و حدیث، تهران، ایران؛  
مدرس حق‌التدریس دروس معارف دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام (ع) (نویسنده مسئول).  
dargahi.2008@gmail.com

۲. استاد تمام، گروه مدرسی معارف اسلامی، گرایش اخلاق، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران.  
sadeqi.hadi@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی (۷۲ - ۵۵)	مسئله اصلی این پژوهش آن است که نظریه‌های اخلاق هنجاری کلاسیک، به دلیل رویکردهای تک‌معیار، در تبیین نظام اخلاقی متناسب با پیچیدگی‌های وجودی انسان با چالش روبه‌رو هستند. این پژوهش، با هدف پاسخ به همین نارسایی، به بازخوانی ماهیت مفهوم «وسع» به مثابه سنگ بنای تکلیف اخلاقی می‌پردازد. سؤال اصلی این است که ماهیت و شاخص‌های وسیع چیست و چگونه بر تکلیف اخلاقی تأثیر می‌گذارد؟ این پژوهش، با روش توصیفی - تحلیلی و با مراجعه به متون دینی، تفاوت‌های فردی مؤثر در وسیع را شناسایی می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که «وسع» ظرفیتی انتزاعی نیست، بلکه برای پدید آمدن انضمامی از داشته‌های درونی و بیرونی است که «شاکله» منحصر به فرد فاعل اخلاقی را می‌سازد؛ ساختاری که ضمن محفوظ داشتن نقش محوری اراده، زمینه‌ساز کنش‌های متفاوت است. در نتیجه، تکلیف اخلاقی امری متناسب با شاکله و وسیع هر فاعل است که این امر، ضرورت گذار از معیارهای واحد به سوی «تکثر معیارها» را آشکار می‌سازد؛ اصلی که «فرانظریه یکپارچگی اخلاق» مبتنی بر آن است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۴	اخلاق هنجاری، فرانظریه یکپارچگی اخلاق، وسیع، تفاوت‌های فردی، شاکله، تکثر معیارها، تکلیف اخلاقی، فاعل اخلاقی، اراده.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۸	درگاهی، سمیه و هادی صادقی (۱۴۰۴). بازخوانی ماهیت «وسع» در پرتو تفاوت‌های فردی: تحلیلی بر مبنای فرانظریه یکپارچگی اخلاق. پژوهش‌نامه اخلاق، ۱۸ (۲)، ۷۲ - ۵۵. DOI: ??
واژگان کلیدی	DOI: ??
استناد:	ناشر: دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

## طرح مسئله

یکی از چالش‌های بنیادین در فلسفه اخلاق تبیین و ارائه معیاری جامع برای ارزش‌گذاری اعمال اخلاقی است. نظریه‌های هنجاری کلاسیک، همچون نتیجه‌گرایی<sup>۱</sup>، وظیفه‌گرایی<sup>۲</sup> و فضیلت‌محوری<sup>۳</sup>، هر یک کوشیده‌اند با ارائه یک معیار واحد و جهان‌شمول، این مسئله را حل کنند. با این حال، این رویکردهای یکسان‌نگر و تک‌معیار، اغلب در مواجهه با پیچیدگی‌های وجودی انسان و تفاوت‌های بنیادین میان فاعل‌های اخلاقی، با نارسایی‌های جدی روبه‌رو می‌شوند. آنها یا با کلی‌گویی و غفلت از تحلیل عمیق ابعاد روان‌شناختی و انسان‌شناختی فاعل اخلاقی، به ساده‌سازی مسئله پرداخته‌اند یا با پافشاری بر چهارچوب‌های انتزاعی و یکسان‌پندار، از درک ظرایف و واقعیت‌های انضمامی حیات فردی غافل مانده‌اند. این شکاف میان نظر و عمل، به‌ویژه در نادیده گرفتن نقش محوری «وسع» و ظرفیت فاعل اخلاقی در انجام تکالیف، به خلأی محسوس در هر دو حوزه نظری و عملی اخلاق هنجاری منجر شده است.

در پاسخ به این خلأ، «فرانظریه یکپارچگی اخلاق» به‌عنوان یک الگوی نوین و جامع، با فاصله گرفتن از رویکردهای تک‌معیار، پارادایم جدیدی را معرفی می‌کند (ر.ک: صادقی، ۱۳۹۹). این فرانظریه، ضمن تثبیت فضائل و اصول کلی اخلاقی، بر این اصل محوری استوار است که باید میان حسن اخلاقی یک عمل و «وسع» فاعل آن نسبت‌سنجی دقیقی صورت گیرد. این پژوهش، با تمرکز بر سنگ بنای این نظریه، یعنی مفهوم قرآنی «وسع»، در پی پاسخ به این پرسش بنیادین است که ماهیت این ظرفیت فردی چیست، شاخص‌های مؤثر بر آن کدام‌اند و این شاخص‌ها چگونه در تعیین تکلیف و مسئولیت اخلاقی هر فرد نقش‌آفرینی می‌کنند؟

اگرچه درباره قاعده فقهی «وسع» پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است، عمدتاً به جنبه فقهی - حقوقی آن و فارغ از ارتباط با نظریه‌های اخلاق هنجاری پرداخته‌اند. تمایز این پژوهش در آن است که با اتکا بر «فرانظریه یکپارچگی اخلاق» می‌کوشد پیوندی نظام‌مند میان مبانی نظری اخلاق و واقعیت‌های عینی حیات انسانی برقرار سازد. به بیان دیگر، این مقاله تلاش دارد مفهوم «وسع» را از سطح تعاریف کلی و انتزاعی فراتر برد و آن را به مثابه یک اصل بنیادین و واقع‌گرایانه در تحلیل‌های اخلاقی به کار گیرد. در این چهارچوب، مسئله اصلی بازنگری و تحلیل عمیق مفهوم «وسع» به‌گونه‌ای است که «تفاوت‌های فردی» نه صرفاً به‌عنوان یک متغیر زمینه‌ای، بلکه به منزله یکی از ارکان اصلی در ساختار اخلاق هنجاری اسلامی شناخته شود. از این‌رو، این پژوهش، با مراجعه به منابع اسلامی (قرآن و حدیث)،

---

1. Consequentialism.  
2. Deontology.  
3. Virtue Ethics.

به شناسایی، دسته‌بندی و تحلیل علل و زمینه‌های تفاوت در «وسع» انسان‌ها و تأثیرات این تفاوت‌ها بر نظام اخلاقی می‌پردازد.

## مفهوم‌شناسی

برای پرداختن به مسئله، ابتدا لازم است درباره دو مفهوم کلیدی «فرانظریه یکپارچگی اخلاق» و «وسع» توضیحاتی داده شود.

### ۱. فرانظریه یکپارچگی اخلاق

«فرانظریه یکپارچگی اخلاق» (همان) در پاسخ به فقدان چهارچوبی نظام‌مند در اخلاق هنجاری، که هم ریشه در منابع دینی داشته باشد، هم به تفاوت‌های فردی توجه کند و هم قوت‌ها و ضعف‌های نظریه‌های موجود را پوشش دهد، ارائه شده است. این فرانظریه نظامی مستقل است که با به‌کارگیری انعطاف‌پذیر مؤلفه‌های نظریات اخلاقی، متناسب با ویژگی‌های روان‌شناختی و معرفتی هر فرد عمل می‌کند. هسته این نظریه بر ماهیت «وسع» استوار است و اخلاق هنجاری را بر مبنای «حق» به معنای شایستگی و بایستگی در عمل بنیان می‌گذارد. نوآوری اصلی این رویکرد تأکید بر عنصر «تناسبات» است که از طریق نسبت‌سنجی میان حُسن عمل اخلاقی و «وسع» فاعل، به «تکثر معیارها» منجر می‌شود. این رویکرد، برخلاف مکاتب غربی که در جستجوی معیاری واحد هستند، تفاوت‌های ساختاری افراد، زمینه‌های فرهنگی و مراتب رشد اخلاقی را مبنای تعیین تکلیف قرار می‌دهد و با عملکردی چتری<sup>۱</sup> امکان نقد، ارزیابی و کاربرد سایر نظریه‌ها را ذیل خود فراهم می‌آورد.

### ۲. مفهوم وسع

از آنجاکه تفاوت در «وسع» خاستگاه تکثر معیارها در فرانظریه یکپارچگی است، تبیین مفهوم آن ضروری است. این واژه، که برگرفته از آیه «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» (بقره / ۲۸۶) و آیات مشابه است، بر این اصل عقلی و نقلی دلالت دارد که تکلیف باید متناسب با توانایی فرد باشد. در معنای لغوی «وسع»، تعبیر مختلفی چون «قدر طاقت» (خلیل بن احمد)، «فراتر از توان» (راغب) و «کمتر از طاقت» (شیخ صدوق، فیض کاشانی و دیگران به نقل از روایات) ذکر شده است (ر.ک: صادقی، ۱۳۹۹: ۱۰۹). قدر مشترک و مسلّم همه این دیدگاه‌ها آن است که هیچ تکلیفی فراتر از توانایی و ظرفیت فاعل اخلاقی نخواهد بود.

1. Umbrella Theory.

## ماهیت وسع

«وسع» به «مجموعه توانایی‌ها، شرایط، ظرفیت‌ها و داشته‌های اولیه و ثانویه فاعل» تعریف می‌شود (همان). بر اساس این تعریف، تفاوت‌های افراد در وسع ناشی از تفاوت در داشته‌های اولیه و ثانویه آنهاست. سایر مواردی که در تعریف آمده است، اعم از توانایی‌ها، شرایط و ظرفیت‌ها، مشمول همان داشته‌های اولیه و ثانویه می‌شود. به بیان دیگر، وسع مجموع نعمت‌ها و روزی‌هایی است که هر فرد در طول حیات خود از آن بهره‌مند می‌شود و معیار سنجش توانایی او برای بندگی است. این تفاوت‌ها، که در متون دینی نیز به آنها اشاره شده است، همان «تفاوت‌های فردی» هستند. در این نظریه، مراد از وسع، «وسع واقعی» فرد شامل گذشته و حال اوست که داوری قطعی درباره آن تنها در حیطه علم الهی و معرفت اولیای خدا قرار دارد و سایرین، تنها می‌توانند به تخمینی احتمالی از آن دست یابند (ر.ک: همان: ۱۲۷ - ۱۲۳).

یکی از مباحثی که ممکن است با موضوع «وسع» خلط شود بحث «شرایط مکلف» است.<sup>۱</sup> در توضیح آن باید گفت سنجش وسع بعد از احراز شرایط تکلیف است؛ به این معنا که سنجش وسع در خصوص افرادی است که شرایط تکلیف را داشته باشند و البته این شرایط تکلیف حداقل وسع است. اگر کسی حداقل وسع مثل عقل و آزادی اراده را نیز نداشته باشد، اساساً تکلیف اخلاقی ندارد. لذا انسان‌ها در حداقل وسع با هم مشترک‌اند، اما اختلافات از فراتر از حداقل‌ها رخ می‌دهد (ر.ک: همان: ۱۳۳). در ادامه انواع تفاوت‌ها تبیین می‌شود.

### ۱. تفاوت‌های غیرمؤثر در وسع (سبب تمایز افراد)

برخی تفاوت‌های میان انسان‌ها که در متون دینی به آنها اشاره شده در «وسع» اخلاقی تأثیری ندارد و حکمت آنها صرفاً «تمایز» و «شناسایی» افراد از یکدیگر است. این تفاوت‌ها، که در آیه چهارده سوره نوح به صورت کلی با عنوان «اطوار» به آنها اشاره شده، شامل مصادیقی همچون شکل و قیافه (انفطار / ۸)، زبان و گویش (روم / ۲۲)، رنگ و نژاد (فاطر / ۲۸) و جنسیت و قومیت (حجرات / ۱۳) است. مبنای نظری برای غیرمؤثر بودن این تمایزات در وسع آیه سیزده سوره حجرات است، که پس از اشاره به تفاوت‌های جنسیتی و قومی، هدف از آنها را شناسایی متقابل (لِتَعَارَفُوا) دانسته و معیار حقیقی برتری را «تقوا» معرفی کرده است. این نشان می‌دهد که اختلافات طبیعی مانعی در مسیر رشد معنوی ایجاد نمی‌کنند. در روایات نیز، همچون توحید مفضل، بر این حکمت تأکید شده که ناهمگونی ظاهری

۱. شیخ طوسی دوازده شرط برای مکلف (کسی که به او تکلیف شده است) برمی‌شمرد و آنها را توضیح می‌دهد. شروطی مانند حیات، قدرت، علم، عقل، تمکن، اراده و ... (یزدی مطلق، ۱۳۷۸: ۱ / ۲۳۰ - ۲۲۱).

انسان‌ها، برخلاف همانندی حیوانات، برای امکان شناخت و برقراری معاملات اجتماعی ضروری است (ابن‌عمر جعفی، بی تا: ۸۳).

## ۲. تفاوت‌های مؤثر در وسع (پدیدآور تکرر معیارها)

گونه دوم آیات و روایات به تفاوت‌هایی پرداخته که این تفاوت‌ها در میزان وسع افراد و گروه‌ها اثرگذار است و لذا موجب تکرر معیارها خواهد شد. مقصود ما از «تفاوت‌های فردی» همین دسته از تفاوت‌هاست. البته، طرح این بحث پرسش‌هایی را در باب عدل الهی برمی‌انگیزد. پاسخ تفصیلی به این شبهه در کتب کلامی و فلسفی و در ذیل بحث «حکمت الهی و نظام احسن» ارائه شده که بر اساس آن، این تفاوت‌ها لازمه تحقق نظام کامل آفرینش بوده است و عدالت حقیقی در تناسب میان تکلیف و وسع و نیز تناسب پاداش با میزان مجاهدت فرد تجلی می‌یابد (ر.ک: مطهری، ۱۴۱۸ ق: ۱ / ۱۲۸ - ۱۱۵؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۹: ۱۶۶ - ۱۶۲).

شواهد کلی قرآنی و روایی درباره این دسته از تفاوت‌ها را می‌توان در سه محور بررسی کرد: ۱. اصل وجود «تفاوت در وسع» بر مبنای آیه محوری «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» (بقره / ۲۸۶) و آیات مشابه (بقره / ۲۳۳؛ انعام / ۱۵۲؛ اعراف / ۴۲؛ مؤمنون / ۶۲؛ طلاق / ۷). این آیات، علاوه بر وضع حکم «تکلیف به قدر وسع»، به دلالت التزامی، اصل «تفاوت‌های فردی» را نیز اثبات می‌کنند؛ زیرا اگر وسع همگان یکسان بود، این قید معنایی نداشت؛ ۲. تفاوت در برخورداری از روزی الهی بر مبنای آیات ۱۰ اسراء، ۲۶ رعد، ۳۷ روم، ۵۲ زمر، ۳۶ و ۳۹ سبأ، ۱۲ شوری، ۶۲ عنکبوت، ۸۲ قصص و ۷۱ نحل. این آیات بیان می‌کنند که خداوند روزی را بر اساس حکمت و آگاهی خود برای برخی می‌گسترده و برای برخی محدود می‌سازد؛ ۳. تفاوت در برخورداری از امکانات و نعمت‌ها بر مبنای آیات ۲۱ اسراء، ۳۲ زخرف، ۳۲ نساء و ۵۳ و ۱۶۵ انعام. این آیات، که عباراتی مانند «وَرَفَعَ بَعْضُكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ» یا «فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» در آنها به کار رفته، بیانگر آن‌اند که خداوند برتری‌هایی اعم از جسمانی، شغلی، مالی و اجتماعی به برخی بندگان عطا کرده است. این تفاوت‌ها مستقیماً بر «وسع» افراد و در نتیجه بر معیارهای قضاوت و تکلیف اثرگذارند.

شواهد مصداقی آیات و روایات درباره تفاوت‌های فردی به دو گروه تقسیم می‌شوند: تفاوت‌های درونی و تفاوت‌های بیرونی.

مقصود از تفاوت‌های درونی تفاوت‌های درون انسان‌ها اعم از ایمان، فهم و خرد و معرفت است که داشته‌های اولیه هر انسان محسوب می‌شوند. این موارد ظاهری نیستند، اما از روی قراین و اعمال فرد قابل ارزیابی‌اند. این گروه از تفاوت‌ها شامل موارد ذیل است:

۱. تفاوت در عقل و خرد: مستند به ۴۰ آیه مانند آیات ۱۷ و ۱۸ زمر، ۴۳ و ۶۳ عنکبوت و ۲۵ لقمان؛
۲. تفاوت در ایمان: مستند به ۲۲ آیه که عبارت‌اند از: ۸۳ و ۱۳۲ انعام، ۲ انفال، ۱۲۴ توبه، ۲۶۰ بقره، ۱۳ و ۱۴ کهف، ۲۲ احزاب، ۴ فتح، ۱۱ و ۲۲ مجادله، ۱۱۴ و ۱۶۳ آل عمران، ۷۶ یوسف، ۲۱ اسراء، ۱۹ احقاف، ۱۰ حدید، ۹ و ۱۰ حشر، ۶۰ تا ۶۲ مؤمنون؛
۳. تفاوت در علم و آگاهی: مستند به ۱۲ آیه که عبارت‌اند از: ۱۷۹ اعراف، ۶۵ انفال، ۱۵۴ آل عمران، ۱۱۸ بقره، ۴ حجرات، ۱۴ حشر، ۲۶ فتح، ۵۵ نمل، ۳۳، ۷۶ و ۸۹ یوسف و ۱۱ مجادله؛
۴. تفاوت در وراثت: مستند به ۹ آیه که عبارت‌اند از: ۳۳، ۳۴ و ۳۷ آل عمران، ۶ تحریم، ۱۳۲ طه، ۲۸، ۵۴ و ۵۵ مریم و ۲۷ نوح.

علاوه بر این چهار عامل اصلی، عوامل دیگری نیز در تفاوت‌های درونی نقش دارند که می‌توان آنها را به این شرح برشمرد:

۱. تفاوت در درک حقایق (انعام / ۳۶، ۳۹ و ۴۳)؛
۲. تفاوت در اهداف و خواسته‌ها (اسراء / ۲۱ - ۱۸؛ بقره / ۲۰۱ - ۲۰۰)؛
۳. تفاوت در بصیرت و شعور (انعام / ۱۲۲؛ روم / ۵۳ - ۵۲)؛
۴. تفاوت در همت‌ها (نساء / ۹۶ - ۹۵)؛
۵. تفاوت در نیت‌ها و انگیزه‌ها (بقره / ۲۶۵ - ۲۶۴)؛
۶. تفاوت در میزان تقوا و پرهیزکاری (انعام / ۸۲؛ روم / ۷)؛
۷. تفاوت در استعدادها (اعراف / ۵۸)؛
۸. تفاوت در وسعت روح و فکر (انعام / ۱۲۵)؛
۹. تفاوت در میزان حیات قلب (انعام / ۱۲۲).

مقصود از تفاوت‌های بیرونی همان داشته‌های ثانویه فاعل اخلاقی است؛ تفاوت‌های خارج از وجود انسان اعم از تفاوت‌های محیطی، فرهنگی، دوستان و معاشران، که عموماً ماهیتی قابل مشاهده دارند و بستر رشد یا محدودیت فرد را شکل می‌دهند. بر اساس بررسی و تحلیل فراوانی آیات قرآن، مهم‌ترین مصادیق تفاوت‌های بیرونی، که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل‌گیری «وسع» نقش دارند، به ترتیب اهمیت و تکرار، عبارت‌اند از:

۱. تفاوت در عمل: با استناد به یازده آیه، این عامل به‌عنوان پربسامدترین تفاوت بیرونی شناسایی شده است. این آیات عبارت‌اند از ۱۰۳ توبه، ۸ فاطر، ۱۰۳ کهف، ۱۴ مطففین، ۱۷ نساء، ۲۴ نمل، ۱۲ یونس، ۴ لیل، ۱۱ مجادله، ۱۱۳ آل عمران و ۵۳ انعام؛

بازخوانی ماهیت «وسع» در پرتو تفاوت‌های فردی: تحلیلی بر مبنای فرانظریه یکپارچگی اخلاق □ ۶۱

۲. تفاوت در محیط رشد و زندگی: شامل نه آیه است که عبارت‌اند از ۹۷ تا ۹۹ توبه، ۵۸ و ۱۳۸ اعراف، ۵۶ عنکبوت، ۹۷ نساء و ۲۶ و ۲۷ نوح؛

۳. تفاوت در فرهنگ‌ها: شامل نه آیه است که عبارت‌اند از ۲۸ و ۸۲ اعراف، ۵۲ و ۵۳ انبیاء، ۱۷۰ بقره، ۲۳ زخرف، ۲۹ فتح و ۵۸ و ۵۹ نحل.

علاوه بر این موارد، داشته‌های ثانویه دیگری نیز به دلالت مستقیم یا غیرمستقیم از آیات و روایات برداشت می‌شود که به جهت فراوانی کمتر، به ذکر آنها اکتفا می‌کنیم. این موارد عبارت است از تفاوت دوستان و معاشران (زخرف / ۳۸ - ۳۶؛ صافات / ۵۷ - ۵۱؛ فرقان / ۲۹ - ۲۷)، تفاوت در تغذیه (مائده / ۴۱ و ۹۱؛ مؤمنون / ۵۱) و تفاوت در سختی‌ها (اعراف / ۹۴، ۹۵ و ۱۳۰؛ انعام / ۴۲).

### اثر تفاوت‌ها (شاکله)

پس از شناسایی و دسته‌بندی تفاوت‌های درونی و بیرونی مؤثر بر «وسع»، این پرسش بنیادین مطرح می‌شود که حاصل نهایی این تفاوت‌ها چیست و چگونه به ظرفیت‌های متفاوت و در نتیجه، رفتارهای گوناگون منجر می‌شود؟ به عبارت دیگر، سازوکاری که این تفاوت‌ها را به یک کلیت یکپارچه تبدیل کرده است و مبدأ صدور اعمال اخلاقی می‌شود چیست؟ پاسخ این پرسش را می‌توان در مفهوم قرآنی «شاکله» جستجو کرد. قرآن کریم در آیه ۸۴ سوره اسراء می‌فرماید:

قُلْ كُلُّ يَعْمَلْ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَىٰ سَبِيلًا.

بگو هر کس طبق روش و خلق و خوی خود عمل می‌کند و پروردگارتان کسانی را که راهشان هدایت‌بخش‌تر است بهتر می‌شناسد.

این آیه به دو اصل اساسی اشاره دارد: نخست اعمال انسان ریشه در ساختاری بنیادین به نام «شاکله» دارد؛ دوم این ساختار در هر فردی منحصر به خود اوست.

مفسران و لغت‌شناسان معانی متعددی برای «شاکله» ذکر کرده‌اند؛ از جمله «خلق و خو»، «طریقت و مذهب»، «هیئت و فرم» (برگرفته از ریشه شکل) و «مثل و مانند» (برگرفته از ریشه شکل) (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۸: ۱۳ / ۲۶۲). با وجود این تکرر ظاهری، اشتراک تمامی این معانی آن است که «شاکله»

۱. «محیط رشد» و «فرهنگ» مفاهیمی بسیار نزدیک و درهم‌تنیده به نظر می‌رسند، اما با توجه به تفاوت‌های ظریفی که در آیات مربوطه به چشم می‌خورد و تفکیک مفسران بزرگی همچون آیت‌الله مکارم شیرازی، به صورت مجزا بررسی می‌شوند (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۱ / ۱۴۹ و ۱۸۵).

همان هیئت و ساختار وجودی منحصر به فردی است که از برآیند همه داشته‌های درونی و بیرونی فرد شکل می‌گیرد و به خاستگاه و مبدأ صدور افعال او تبدیل می‌شود؛ چنان‌که علامه طباطبایی جوهر معنای آیه را این می‌داند که «عمل، هرچه باشد، متناسب با اخلاق آدمی است» (همان).

بنابراین، «شاکله» همان ساختار ظرفیتی است که «وسع» را در یک ساختار منسجم و شخصی‌سازی شده به فعلیت می‌رساند. در ادبیات عرفانی، مشابهت‌هایی برای این بحث با مفاهیم «اعیان ثابته» و «تجلیات» دیده می‌شود (ر.ک: قیصری، ۱۳۷۵: ۶۱). گرچه این مفاهیم در آیات و روایات نیست، می‌توان از آن به‌عنوان ابزاری تبیینی برای فهم ظرفیت‌های ذاتی و ظهور آن استفاده کرد. این چهارچوب نشان می‌دهد که چگونه یک استعداد ذاتی (عین ثابت) می‌تواند در بستر حیات دنیوی و کنش اختیاری انسان، به یک ساختار شخصیتی پایدار یا «شاکله» منتهی شود (تجلی). در ادامه، با تحلیل دقیق‌تر دیدگاه علامه طباطبایی درباره «شاکله»، ابعاد این مفهوم کلیدی را بیشتر می‌شکافیم.

#### ۱. شاکله اول (خلق و خو)

میان نوع ترکیب بنیه بدنی و جسمانی انسان و صفات درونی و احوال روحی او ارتباط خاصی برقرار است؛ به این معنا که از فعل و انفعالات جهازات بدنی مثل مزاج و خصوصیات ترکیب آن مجموعه صفات روحی و خلقیات اولیه حاصل می‌شود که اعمال و رفتار آدمی متناسب با این خلق و خوست. به‌عنوان مثال، برخی مزاج‌ها زودتر عصبانی می‌شوند و برخی دیرتر؛ برخی مزاج‌ها شجاع هستند و برخی ترسو. لذا اعمال فردی که صفت روحی شجاعت را دارد با اعمال فردی که صفت روحی ترس و بزدلی را دارد متفاوت است.

مجموعه صفات جسمانی و روحی و اعمالی که منطبق با این صفات انجام می‌شود شاکله اولیه انسان را تشکیل می‌دهد (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۸: ۱۳ / ۲۶۲ و ۲۶۵). علامه معتقد است چنین ارتباطی بین جسم و خلق و خو و اعمال انسان از طریق علم و تجربه نیز ثابت شده است (ر.ک: همان: ۲۶۲). آیه ۵۸ سوره اعراف نیز تناسب اعمال با بنیه انسانی و صفات درونی او را تأیید می‌کند (ر.ک: همان: ۲۶۳). آیت‌الله مکارم شیرازی نیز ذیل آیه ۲۸ سوره فاطر، که یکی از تفاوت‌های آدمیان را تفاوت در رنگ بیان می‌کند، معتقد است که این تفاوت در رنگ، علاوه بر چهره ظاهری، شامل خلق و خوی انسان‌ها نیز می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۸ / ۲۴۶). در روایات نیز بخشی از خلق و خوی انسان ذاتی و خدادادی بیان شده است. به‌عنوان نمونه، امام صادق علیه السلام فرمودند:

خلق و خو بخششی است که خداوند عزوجل به آفریدگانش می‌دهد. برخی از آنها غریزی است و برخی به نیت و قصد است [و با تصمیم و تمرین به دست می‌آید]. عرض کردم:

بازخوانی ماهیت «وسع» در پرتو تفاوت‌های فردی: تحلیلی بر مبنای فرانظریه یکپارچگی اخلاق □ ۶۳

کدام‌یک از این دو بهتر است؟ فرمودند: کسی که خوی غریزی دارد بر آن سرشته شده است و جز آن نتواند کند و صاحب خوی اکتسابی بر انجام طاعت صبوری می‌ورزد. پس، این بهتر است (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۲ / ۱۰۱).

می‌بینیم که در روایت نیز دو خلق‌و‌خو بیان شده است: بخشی که ذاتی و غیراختیاری است و در واقع همان شاکله اول است و بخشی که اکتسابی و اختیاری است. به تصریح امام علیه السلام، خلق‌و‌خویی که به اختیار فرد به دست آید ستودنی و افضل است که دلیل آن هم در روایت بیان شده است. طبق روایت، علت افضل بودن خلق‌و‌خوی اکتسابی تلاش و صبوری فرد است؛ زیرا او در خلاف جهت سرشت خود حرکت می‌کند و چنین کاری آسان نیست. این خلق‌و‌خوی اکتسابی همان شاکله دوم است که چنانچه در مسیر الهی شکل گیرد، ممدوح و باارزش خواهد بود. در قسمت بعد، به شاکله دوم خواهیم پرداخت. تعریف علامه از شاکله اول با تعریف علمای اخلاق از واژه «اخلاق» نیز منطبق است؛ چراکه آنها نیز معتقدند اخلاق جمع «خُلُق» به معنای سرشت و سجیه و در اصطلاح صفاتی است که به صورت پایدار در نفس آدمی وجود دارد؛ به طوری که انجام اعمال منطبق با آن صفات بدون تفکر و تأمل صورت می‌گیرد:

رایج‌ترین کاربرد اصطلاحی اخلاق صفات و هیئت‌های پایدار در نفس است که موجب صدور افعال متناسب با آنها به صورت خودجوش و بدون نیاز به تفکر و تأمل از انسان می‌شوند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۱۴. همچنین ر.ک: ابن مسکویه، ۱۳۹۷: ۸۵).

اکنون مختصری به ارزیابی این بحث (یعنی رابطه ترکیب جسمانی و صفات و حالات روحی) از منظر علم روان‌شناسی می‌پردازیم.

### شاکله اول از منظر علم روان‌شناسی

از یونان باستان در بحث طبایع چهارگانه پزشکی مشهور، بقراط، افراد به چهار دسته بلغمی، سودایی، صفراوی و دموی تقسیم شدند و شاکله‌های متفاوت تشریح شد. در دوره جدید، مشرب‌های شخصیتی یا خلق‌و‌خوهای دیوید کرسی به چهار دسته تقسیم می‌شود که عبارت است از: مشرب سنتی که افرادی با ترجیحات حسی و قضاوت‌گرایی؛ مشرب تجربه‌گرا با ترجیحات شخصیتی حسی و دریافت‌گرا؛ مشرب آرمان‌گرا با ترجیحات شخصیتی شهودی و احساساتی؛ مشرب خردگرا با ترجیحات شخصیتی شهودی و متفکر.

مقصود از ترجیح شخصیتی انجام دادن رفتاری است که برای فرد از رفتار متضاد آن آسان‌تر است (ر.ک: تیگر و بارون - تیگر، ۱۳۹۸: ۱۱۲ - ۸۸). برخی نظریات شخصیت نیز پایه زیستی دارند. رویکردهای زیستی به شخصیت ارتباط بین متغیرهای جسمانی (آناتومیکی و فیزیولوژیکی) و روان‌شناختی را مشخص می‌کند. رویکردهای صفت و زیستی با هم در تناقض نیستند، بلکه مکمل

یکدیگرند (ر.ک: پرموزیک، ۱۳۹۴: ۱۰۱ - ۱۰۰). انواع نظریه‌ها با مبانی زیست‌شناختی عبارت‌اند از اندیشه‌های نخستین (اخلاط چهارگانه یا همان طبایع چهارگانه بقراط)، انتقال‌دهنده‌های عصبی، ساختارهای مغزی، هورمون‌ها (ر.ک: سی. اشتون، ۱۴۰۱: ۱۹۳ - ۱۷۱). مثلاً در نظریه «سه بعد اصلی آیزنک»، ارزیابی با پرسش‌نامه خودسنجی برای سه بعد (روان‌رنجورخویی - برون‌گرایی و روان‌پریش‌خویی) صورت می‌گیرد. عنصر اصلی این نظریه برحسب عوامل زیستی است؛ به این معنا که عوامل ژنتیکی سطوح مختلف این سه بعد را ایجاد می‌کنند.

تفاوت‌های در خلق‌و‌خو نیز در نتیجه میزان تحریک‌پذیری مغز افراد یا میزان حساسیت مغز آنان در برابر تحریک است (ر.ک: پرموزیک، ۱۳۹۴: ۶۱ - ۵۰). در نظریه‌های سرشتی شخصیت، نمونه‌هایی مانند ریخت‌شناسی کرچمر و شلدون و از دانشمندان معاصر، تحقیقات باس و پلامین درباره مزاج‌هاست (ر.ک: بشیری و حیدری، ۱۳۹۶: ۴۶۶ - ۴۶۴ و ۴۷۴). جالب است بدانیم که در حوزه روان‌شناسی، فقط در همین دو دهه اخیر بوده است که رویکردهای سرشتی بر حوزه شخصیت تسلط یافته‌اند. قبل از این دو دهه یا پیش‌تر، شخصیت عمدتاً با نظریه‌های بزرگ روان‌شناسی مانند الگوهای روان‌کاوی، رفتارگرایی و تکاملی در ارتباط بوده است؛ ضمن اینکه این نظریه‌های بزرگ، برخلاف رویکردهای صفت، به جای تفاوت‌ها بین افراد، بر شباهت‌ها تأکید دارند (پرموزیک، ۱۳۹۴: ۱۰۵)، درحالی‌که در رویکردهای صفت عکس آن است؛ به این معنا که به تفاوت‌های میان افراد در گرایش به رفتار، تفکر یا احساس خاص با برخی روش‌های مرتبط با مفهوم در گستره‌ای از موقعیت‌های مرتبط و در طول دوره‌های زمانی بلندمدت اطلاق می‌شود (سی. اشتون، ۱۴۰۱: ۶۷).

این تعریف از صفت شامل چند نکته است: اولین نکته مفهوم «تفاوت‌های میان افراد» است. اهمیت این مفهوم بدان خاطر است که توصیف شخصیت یک فرد به اندازه‌ای که آن را با شخصیت دیگران بتوان مقایسه کرد معنا می‌یابد. به عبارت دیگر، آنچه برایمان مفید است دانستن درجه‌ای از صفت موردنظر است؛ زیرا آن صفت را افراد دیگر نیز ممکن است داشته باشند. بنابراین، می‌تواند نشانه‌ای از میزان آن صفت را به دست دهد؛ نکته دوم عبارت «گرایش به رفتار، تفکر یا احساس خاص» است که به احتمال صدور رفتار یا داشتن افکار یا احساساتی معین اشاره می‌کند؛ به این معنا که فرد گرایش یا استعدادی قوی (یا ضعیف) در ابراز آن رفتار، افکار یا احساسات دارد. این عبارت نه تنها شامل جنبه‌های خارجی یا رفتاری ویژگی موردنظر است، بلکه ابعاد درونی آن را نیز که در احساسات و افکار فرد تجلی می‌یابد دربرمی‌گیرد؛ نکته سوم عبارت «با برخی روش‌های مرتبط با مفهوم» است که نشان می‌دهد گاهی یک ویژگی خودش را به شکل‌هایی کاملاً متفاوت در ظاهر نشان می‌دهد، اما همه آنها می‌توانند

بازتاب‌دهنده صفت زیربنایی باشند؛ نکته چهارم عبارت «در گستره‌ای از موقعیت‌های مرتبط» است؛ زیرا یک صفت شخصیتی عاداتی ساده که محدود به موقعیتی خاص باشد نیست، بلکه در موقعیت‌های متفاوت، به شیوه‌هایی مختلف ابراز می‌شود؛ نکته آخر عبارت «در طول دوره‌های زمانی بلندمدت» است که به الگوهای اشاره می‌کند که در دورانی طولانی قابل مشاهده‌اند، به جای آنکه منحصر به مقطع زمانی کوتاهی باشند. به عبارت دیگر، مفهوم صفت این است که تمایل نسبتاً ثابت و ماندگاری به نشان دادن یک الگوی رفتاری مرتبط وجود دارد (ر.ک: همان: ۷۰ - ۶۷).

## ۲. شاکله دوم (شخصیت)

مقصود از شاکله دوم خصوصیتی است که علاوه بر شاکله اول، از ناحیه تأثیر عوامل خارج از ذات انسان در وی پدید می‌آید. توضیح اینکه انسان، علاوه بر اینکه طبق صفات درونی و ذات خود (شاکله اولیه) عمل می‌کند، عوامل دیگری نیز در ظرف زندگی او حکم‌فرماست که خارج از ذات اوست و اعمال خود را منطبق با آنها نیز انجام می‌دهد؛ عواملی مانند آداب و سنن و رسوم و عادت‌های تقلیدی (همان چیزی که در بخش تفاوت‌های بیرونی تحت عنوان فرهنگ و محیط از آن یاد کردیم). به بیان علامه طباطبایی، این عوامل خارج از ذات صورت جدیدی در نظر انسان ایجاد می‌کند که از مخالفت با آن وحشت دارد و آن را شنای خلاف جهت آب تصور می‌کند. لذا اعمالش را منطبق با این عوامل می‌کند. اعمال، طبق عوامل خارج از ذات یعنی آداب و رسوم اجتماعی و محیط، به مرور زمان ملکاتی (اعم از ردائل یا فضائل) در قلبش ایجاد و تثبیت می‌کند که منجر به تشکیل شاکله دوم می‌شود (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۸: ۱۳ / ۲۶۵). علامه، به جهت سیاق معنایی آیات قبل از آیه ۸۴ سوره اسراء، درنهایت معنای شاکله دوم را ترجیح می‌دهد (ر.ک: همان: ۲۶۶) و آن را «همان شخصیت روحی که از مجموع غرایزش و عوامل خارجی مؤثر بر آن به دست می‌آید» (طباطبایی، ۱۳۵۲: ۱۳ / ۱۹۲) تعریف می‌کند. از عبارت شیخ طوسی نیز به نظر می‌رسد تفسیر او از این آیه معنای دوم شاکله است:

«كُلُّ يَعْْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ» یعنی بر اساس راه و روشی که اخلاقیات را شکل می‌دهد... و معنایش این است که برای انسان شایسته است که از الفت گرفتن با فساد و گناه و استمرار آن دوری کند و هرگز به گناه برنگردد (طوسی، ۱۴۱۳ ق: ۶ / ۵۰۵).

یعنی آن دسته از اعمال و رفتار انسان که به آنها خو گرفته و مستمر انجام می‌دهد در تشکیل شاکله انسان اثرگذار است و همین شاکله نیز به‌طور متقابل در بروز اعمال و رفتار انسان اثر می‌گذارد؛ به‌طوری‌که هرچه شاکله انسان با گناه و فساد خو گرفته باشد، بیشتر به سمت گناه و خسران پیش می‌رود.

بنابراین، تکرار اعمال در درازمدت و به تدریج منجر به تشکیل ملکه فضائل یا ردائل می‌شود.

براین اساس، تمامی روایاتی که به تقوا و تهذیب اخلاق دعوت می‌کنند در واقع ناظر به همین شاکله دوم است؛ زیرا تقوا خودکنترلی و مقاومت فرد در برابر صفات مذموم شاکله اول خویش یا مقاومت در برابر دعوت محیط و جامعه به گناه است و همچنین تلاش برای ایجاد یا تقویت صفات ممدوحی است که در شاکله اول یا کمرنگ است یا وجود ندارد یا محیط و جامعه مانع ایجاد آن می‌شود.

در روایتی امام صادق علیه السلام فرمودند: «همانا خداوند مبارک و والا به سبب خوش‌خویی بنده‌اش پاداش مجاهدی را به او می‌دهد که در راه خداوند صبح و شام می‌کوشد» (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۲ / ۱۰۱). روشن است چنین پاداش عظیمی به کسی داده می‌شود که برای رسیدن به حسن خلق (به هر معنایی که باشد)، تلاش و مجاهدت کرده باشد؛ وگرنه اگر به صورت ذاتی و خدادادی حسن خلق داشت، دیگر چنین پاداشی بی‌معنا بود. لذا روایت ناظر به شاکله دوم و حسن خلق اکتسابی است.

در روایاتی که در خصوص آیه شاکله است، «شاکله» به «نیت» تفسیر شده است. به‌عنوان نمونه، شیخ کلینی روایتی از امام صادق علیه السلام آورده است که می‌فرماید:

همانا دوزخیان از این‌رو در دوزخ ماندگارند که در دنیا نیتشان آن بود که اگر در دنیا ماندگار باشند، همیشه خداوند را نافرمانی کنند و بهشتیان از این‌رو در بهشت ماندگارند که در دنیا نیتشان آن بود که اگر در دنیا ماندگار باشند، همواره خداوند را فرمان‌برداری کنند. پس، به سبب نیت‌هاست که هم آنان و هم اینان ماندگارند (همان: ۸۵).

این‌گونه روایات منافاتی با معنای دوم شاکله ندارد و بلکه آن را تأیید و تقویت می‌کند؛ زیرا علاوه بر اینکه نیت مهم‌ترین رکن سازنده شخصیت انسان است، معلوم می‌شود شاکله و شخصیت نیکوکاران (اعم از ایمان، اعتقاد، نیت و عمل) در دنیا به جهت استمرار نیت الهی و اطاعت خداوند، در مسیر الهی شکل گرفته است؛ تا جایی که اگر در دنیا ماندگار باشند، همواره در مسیر الهی قدم خواهند گذاشت و بالعکس، شاکله و شخصیت گناهکاران (اعم از نیت و عمل) در دنیا به جهت استمرار نیت غیرالهی و نافرمانی خداوند در مسیر گناه و فساد شکل گرفته است؛ تا جایی که اگر در دنیا ماندگار باشند، همواره در این مسیر قدم خواهند گذاشت.

علاوه بر این، توصیه علمای علم اخلاق به تکرار و استمرار عمل در طولانی‌مدت برای ایجاد فضائل اخلاقی نیز ناظر به شاکله دوم است.

با توجه به تفسیر علامه از شاکله، معنای دوم شاکله به‌نوعی همان مفهوم شخصیت است:

شاید بتوان گفت که حتی اگر مفهوم شاکله را در معنایی وسیع‌تر به کار ببریم که هر

دو بعد وجودی انسان را شامل شود، منافاتی با موضوع یادشده (معنای دوم که متناسب با ادامه آیه است) ندارد و می‌تواند با سیاق آیات قبلی نیز سازگار باشد. کافی است عنصری از اختیار در معنای شاکله وجود داشته باشد. پس، اگر معنای شخصیت را به کار ببریم، مناسب است؛ زیرا شخصیت هر کس شامل هر دو بخش ابعاد پایدار جسمانی و روانی انسان است (صادقی، ۱۳۹۹: ۱۹۹).

### شاکله دوم از منظر علم روان‌شناسی

معنای شاکله دوم با معنای «شخصیت» در علم روان‌شناسی همخوانی دارد. اما شخصیت از منظر علم روان‌شناسی به چه معناست؟ «شخصیت» معادل کلمه *personality* و *persona* به معنای نقاب و ماسکی است که بازیگران بر چهره خود می‌گذاشتند. بر این اساس، شخصیت نقاب و ماسکی است که فرد برای سازش با محیط بر چهره خود نهاده است. از نظر اصطلاحی، مجموعه‌ای از ویژگی‌های جسمی، روانی و رفتاری است که هر فرد را از افراد دیگر متمایز می‌کند (دهقانی، ۱۳۹۰: ۸، به نقل از: بصیری و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۵۴ - ۲۲۹). شخصیت کلیتی روان‌شناختی است که انسان خاصی را مشخص می‌سازد و اصطلاحی است که به گستره وسیعی از اوصاف انسان یکپارچگی می‌بخشد (بشیری و حیدری، ۱۳۹۶: ۸۱). در روان‌شناسی تأثیرات شخصیت بر رفتار اجتماعی، روابط رمانتیک، عملکرد تحصیلی، عملکرد شغلی، سلامتی و... انکارناپذیر است (ر.ک: پرموزیک، ۱۳۹۴: ۹۱ - ۷۲).

هدف روان‌شناسان شخصیت مشخص کردن ابعاد اصلی تفاوت افراد و اینکه آیا این ابعاد با گذشت زمان نسبتاً پایدار می‌مانند یا نه و توضیح مبنای سبب‌شناختی این تفاوت‌ها مابین افراد است (کوپر، ۲۰۰۲، به نقل از: پرموزیک، ۱۳۹۴: ۳۷). گوردن آلپرت تعریفی از شخصیت دارد که با برخی نکاتی که از شاکله گفتیم مشابه است:

مجموعه‌ای از رفتارها و شیوه‌های تفکر شخص در زندگی روزمره با ویژگی‌های بی‌همتا بودن، ثبات و قابلیت پیش‌بینی (ر.ک: سنقری، ۱۳۹۸: ۱۸).

یکی از نکات این تعریف ویژگی ثبات یا تکرار شونده است؛ یعنی مشاهده تکرار رفتاری خاص که بر اثر ثبات دیده می‌شود و در واقع جزء شاکله شخص است. این ویژگی با شاخصه‌ای که در تعریف «اخلاق» نیز گفته شد، یعنی صفات راسخ در نفس که به صورت خودجوش و بدون تفکر و تأمل از انسان صادر می‌شود، مشترک است. ویژگی دیگر این تعریف مفهوم بی‌همتا بودن شخصیت است که این همان تفاوت شاکله‌هاست. نکته آخر قابلیت پیش‌بینی است؛ زیرا وقتی متوجه یک تیپ شخصیتی خاصی شدیم، می‌توانیم ویژگی‌های وی را پیش‌بینی کنیم.

انواع مدل‌های تیپ‌شناسی وجود دارد؛ مانند تیپ‌شناسی رفتاری که مهم‌ترین مدل آن دیسک (DISC) است و تیپ‌شناسی شخصیتی که با انواع بیشتری از مدل مواجه می‌شویم، مانند روش شخصیت‌شناسی مایرز - بریگز (MBTI)، روش شخصیت‌شناسی کتل، روش شخصیت‌شناسی هالند، روش شخصیت‌شناسی پنج عامل بزرگ (Big5 or Neo5) و روش شخصیت‌شناسی مینه‌سوتا (MMPI). برای مثال، شخصیت‌شناسی به روش مایرز - بریگز در مدیریت منابع انسانی کاربرد زیادی دارد. مربی با این روش می‌تواند اطلاعات کامل‌تری از شاگرد خود کسب کند و از طریق شناسایی تیپ شخصیتی و آگاهی از قوت‌ها و ضعف‌های او، بهترین روش راهنمایی و مربیگری را برای شاگردان خود در نظر بگیرد.

با مطالعه انواع تیپ‌های شخصیتی متوجه می‌شویم انجام چه رفتار یا عملی برای افراد مختلف با تیپ‌های شخصیتی متفاوت راحت‌تر و آسان‌تر صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، انجام دادن چه رفتاری برای فرد از رفتار متضاد آن آسان‌تر است. در روان‌شناسی، به این موضوع تحت عنوان «ترجیح شخصیتی» پرداخته می‌شود که شامل درون‌گرایی در برابر برون‌گرایی، حسی در برابر شهودی، احساساتی در برابر متفکر و قضاوت‌گرا در برابر دریافت‌گراست (ر.ک: همان: ۳۰ - ۲۸). دلیل پرداختن ما به این بحث از منظر روان‌شناسی این است که اجماً جایگاه آن را در یکی از علوم و دانش‌هایی که به شناخت انسان می‌پردازد ارزیابی کنیم و ثانیاً از آنجاکه میزان شناخت از شاکله و شخصیت افراد می‌تواند میزان وسع آنها را در مسیر رشد اخلاقی نشان دهد، می‌توان در این مسیر از علوم مختلف، همچون دانش روان‌شناسی، استفاده کرد. به‌عنوان مثال، با استفاده از پرسش‌نامه‌های گزارش شخصی و گزارش مشاهده‌گر، سطوح صفات شخصیتی گوناگون افراد را به صورت نسبتاً دقیق اندازه گرفت و به طرز قابل‌فهمی توصیف کرد (ر.ک: سی. اشتون، ۱۴۰۱: ۱۰۶ - ۷۷ و ۴۸۵؛ صحتی، ۱۴۰۱: ۵۲ - ۳۹). پرسش‌نامه‌های شخصیت اطلاعاتی را درباره آنچه فرد معمولاً انجام می‌دهد تأمین می‌کنند و آزمون‌های توانایی شناختی بهترین عملکرد فرد را ارزیابی می‌کنند (پرموزیک، ۱۳۹۴: ۲۲۸).

بدین ترتیب، حاصل تفاوت‌های درونی و بیرونی انسان‌ها تشکیل شاکله‌های متفاوت به بیان قرآن یا شخصیت‌های متفاوت به بیان علم روان‌شناسی است. این شاکله‌های منحصر به فرد، که مبنای تفاوت در اعمال است، قابل‌سنجش است و به مربی اخلاق امکان می‌دهد با تخمین «وسع» هر فرد، معیارهای تربیتی متناسبی را ارائه دهد.

او در این مسیر می‌تواند از تخصص سایرین مانند روان‌شناسان استفاده کند. روان‌شناسان با ابزارهایی نظیر آزمون‌های شخصیت‌شناسی می‌توانند به تخمینی احتمالی از وسع دست یابند.

### تعیین نهایی وسع: تعامل شاکله و اراده

با توجه به نحوه شکل‌گیری شاکله اکتسابی، نقش محوری «اراده» آشکارتر می‌شود. تحلیل دقیق‌تر نشان می‌دهد که نقش اراده صرفاً «مدیریت» گرایش‌های موجود نیست، بلکه نقشی بنیادین و خلاقانه دارد: اراده می‌تواند معمار و سازنده شاکله باشد. هر انتخاب، از جمله انتخابِ انفعال و تسلیم شدن در برابر شاکله اول و عوامل خارج از ذات، خشتی است که فرد با دستان اراده خویش بر بنای شخصیت خود می‌نهد. ساختن شاکله‌ای الهی یا غیرالهی محصول مستقیم همین معماری تدریجی است؛ اراده همچنین می‌تواند مدیر و مهارکننده شاکله باشد. پس از شکل‌گیری شاکله، اراده می‌تواند گرایش‌های برآمده از آن را مهار، هدایت یا تقویت کند. این همان تعامل میان شاکله و اراده است که تعیین‌کننده نهایی رفتار خواهد بود؛

اراده حتی می‌تواند عامل تحول و بازسازی شاکله باشد. حتی در برابر ملکات راسخ، این قدرت اراده است که می‌تواند علیه ساختار پیشین قیام کند و فرایند تحول شخصیت را کلید بزند؛ این نقش‌های مؤثر اراده همان باب «جهاد با نفس» در علم اخلاق است که در روایات به جهت سختی و دشواری زیادی که دارد نه تنها از آن با واژه «جهاد» یاد شده، بلکه با عنوان «جهاد اکبر» تعبیر شده است (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۵ / ۱۲) که اهمیت و ارزش آن را نشان می‌دهد. از این رو، تمامی عواملی که در ساخت شاکله نقش دارند، از وراثت تا محیط، تأثیری در حد «اقتضا» دارند، نه «علیت تامه»؛ زیرا این اراده فرد است که در نهایت به این زمینه‌ها معنا و جهت می‌بخشد. انذار و تبشیر قرآنی و همچنین تلاش فطری انسان برای تعلیم و تربیت دلیلی بر این عدم جبر و شاهی بر همین قدرت سه‌گانه اراده است.

علامه طباطبایی، با اذعان به دشواری غلبه بر خلق و خو (طباطبایی، ۱۳۵۲: ۱۳ / ۱۹۰)، تأکید می‌کند که حتی رسوخ ملکات رذیله و «مهر خوردن دل‌ها» (بقره / ۷) نیز نتیجه اختیار خود فرد است و مسئولیت او را سلب نمی‌کند (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۸: ۱۳ / ۲۶۵). این موضوع به قدری مهم است که اساساً یکی از نقاط افتراق بنیادین روان‌شناسی اسلامی با رویکردهای غربی است (ر.ک: احمدی، ۱۴۰۱: ۱۵۲ - ۱۵۳). در روان‌شناسی اسلامی، رشد شخصیت به معنای استیلای عقل و در نتیجه سلطه آگاهی و استدلال عقلانی است که در نتیجه اراده و تلاش خود فرد حاصل می‌شود. در آخرین مرحله رشد، با سیطره کامل عقل بر شخصیت انسان مواجهیم که به آن «نفس مطمئن» گویند. در این مرحله، با اراده و تلاش انسان، عقل بر وجودش غالب می‌شود و نیروهای جهل را در اختیار می‌گیرد؛ به این معنا که ظرفیت‌های موجود در نفس را در جهت ارضای صحیح غرایز به کار می‌بندد. در نتیجه، کارکردهای شخصیت در حوزه‌های گوناگون شناختی، گرایشی و رفتاری مطلوب و کارآمد می‌شود (ر.ک: بشیری و حیدری، ۱۳۹۶: ۱۴۶ - ۱۴۴).

## نتیجه

در پاسخ به چالش نظریه‌های اخلاق هنجاری که با اصرار بر معیارهای واحد از تفاوت‌های فردی غافل‌اند، «فرانزویه یکپارچگی اخلاق» مفهوم «وسع» را محور قرار می‌دهد. بر این مبنا، «وسع» نه مفهومی تک‌ساختی و معادل «طاقت»، بلکه ساختاری چندوجهی و برآمده از مجموعه داشته‌های اولیه و ثانویه هر فرد است. این داشته‌ها در ترکیب با یکدیگر «شاکله» وجودی منحصر به فرد هر شخص را شکل می‌دهند؛ ساختاری شخصیتی که بر اثر تعامل این داشته‌ها با اختیار و انتخاب‌های فرد در طول زمان شکل گرفته است. بر این مبنا، شاکله تجلی و تبلور وسع فرد در بستر زمان و اختیار است که مبنای تفاوت در کنش‌ها و پاسخ‌های اخلاقی اوست. از طرف دیگر، شاکله می‌تواند ابزاری برای تغییر وسع باشد؛ زیرا اعمالی که از شاکله برمی‌آید وسع فرد را کم یا زیاد می‌کند. لذا رابطه این دو یک رابطه پویاست و بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند. بنابراین، «وسع» و «شاکله»، نه دو مفهوم یکسان و نه صرفاً ماده خام و محصول نهایی‌اند؛ بلکه در یک چرخه پویا و بازخوردی با یکدیگر قرار دارند. شاکله هم نشانگر وسع فعلی است و هم شکل‌دهنده وسع آتی. درک این پویایی کلید فهم ماهیت تکلیف متناسب با تفاوت‌های فردی است.

بدیهی است که تأکید بر محوریت وسع و شاکله نافی نقش تعیین‌کننده «اراده» نیست و چنان‌که گفتیم، همه اینها در بستر اختیار و انتخاب‌های فرد شکل می‌گیرد. از آنجا که شاکله‌ها و در نتیجه وسع افراد امری متکثر است، نتیجه منطقی آن ضرورت پذیرش «تکثر معیارها» در ارزش‌گذاری و تعیین تکالیف اخلاقی است. شایان گفتن است که تکثر معیارها به معنای نسبی بودن اخلاق نیست و «گریز از نسبییت» یکی از ویژگی‌های فرانزویه یکپارچگی اخلاق است. تفاوت بنیادین این نظریه با نسبی‌گرایی اخلاقی در این است که معیارهای مختلف در آن سلیقه‌ای و بر اساس احساسات یا تفاوت فرهنگی جوامع مختلف نیست. لذا برخی حدود مشترک و حداقل‌هایی در اخلاق وجود دارد که باید از جانب همه رعایت شود. این احکام حداقلی بر اساس حداقل‌های وسع آدمی است و اختلافات در بالاتر از این حدود نمایان می‌شود. لذا این نظریه الزامات و ارزش‌های اساسی اخلاقی را در میان افراد یا جوامع مختلف متفاوت نمی‌داند، بلکه فرایند تحقق آن غایات را متناسب با واقعیت‌های فردی می‌داند. دیگر اینکه تناسب با وسع نیز دارای معیار است و بر پایه امیال و خواسته‌های افراد نیست، بلکه برای هر گروه دارای وسع مشابه ارزش خاصی تعیین می‌شود. تفاوت‌ها و نکات دیگری نیز هست که در جای خود بدان پرداخته شده است و برای پرهیز از اطاله کلام از بیان آن صرف‌نظر می‌شود (ر.ک: صادقی، ۱۳۹۹: ۱۳۶ - ۱۳۲). این فرانزویه با چنین چهارچوب منعطفی، ضمن یکپارچه‌سازی نظریه‌های هنجاری، راهکاری واقع‌بینانه برای مواجهه با پیچیدگی‌های حیات اخلاقی انسان ارائه می‌دهد.

## منابع و مأخذ

- قرآن کریم (۱۳۸۹). ترجمه ناصر مکارم شیرازی. قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- ابن مسکویه، احمد بن محمد (۱۳۹۷). *پیرایه جان: ترجمه تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق*. ترجمه حسین قدمی. قم: آیت اشراق.
- احمدی، علی اصغر (۱۴۰۱). *روان‌شناسی شخصیت از دیدگاه اسلامی*. تهران: امیر کبیر.
- بشیری، ابوالقاسم و مجتبی حیدری (۱۳۹۶). *روان‌شناسی شخصیت (نظریه‌های شخصیت با نگرش به منابع دینی)*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- بصیری، حمیدرضا و مریم گوهری و سید محمد اکرمی (۱۳۹۴). تفاوت‌های فردی ناشی از عوامل ژنتیکی از دیدگاه قرآن و روایات معصومین علیهم السلام. *پژوهش‌نامه ثقلین*. ۲ (۴). ۲۵۴ - ۲۲۹.
- پرموزیک، توماس چامورو (۱۳۹۴). *تفاوت‌های فردی*. ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: نشر روان.
- تیگر، پل دی. و باربارا بارون - تیگر (۱۳۹۸). *هنر شناخت بچه‌ها (چگونه فرزندانم را بر اساس تیپ شخصیتی او تربیت کنم؟)*. ترجمه مهرناز باشی‌زاده مقدم و محسن زندی. قم: کتاب طه.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق). *مفردات الفاظ القرآن*. تصحیح صفوان عدنان داوودی. بیروت: دار القلم و دار الشامیه.
- سنقری، داریوش (۱۳۹۸). *جذب نیروی انسانی کارآمد با هنر شخصیت‌شناسی*. تهران: کلید آموزش.
- سی. اشتون، مایکل (۱۴۰۱). *شخصیت و تفاوت‌های فردی*. ویراست سوم. ترجمه فرهاد براقی‌زاده. تهران: دانژه.
- صادقی، هادی (۱۳۹۹). *فلسفه اخلاق در دایره عقل و دین (فرانزویه یکپارچگی اخلاق)*. قم: کتاب طه.
- صحتی، اسداله (۱۴۰۱). *روان‌شناسی جنسیت، شخصیت و استعداد در قلمرو تفاوت‌های فردی*. تبریز: هنر اول.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۵۲). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۸). *ترجمه تفسیر المیزان*. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۳ ق). *التبیان فی تفسیر القرآن*. قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الاسلامی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (بی‌تا). *کتاب العین*. بی‌جا: بی‌نا.

- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۰۶ ق). *الوافی*. اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام.
- قیصری، داود (۱۳۷۵). *شرح فصوص الحکم*. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۹). *آموزش عقاید* (دوره کامل سه جلدی). تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۱). *فلسفه اخلاق*. تحقیق احمد حسین شریفی. تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- مطهری، مرتضی (۱۴۱۸ ق). *مجموعه آثار*. تهران: صدرا.
- ابن عمر جعفی، مفضل (بی‌تا). *شگفتی‌های آفرینش* (ترجمه توحید مفضل). ترجمه نجف‌علی میرزایی. قم: مؤسسه انتشارات هجرت.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵). *اخلاق در قرآن*. قم: مدرسه الامام علی بن ابی‌طالب علیه السلام.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- یزدی مطلق، محمود (۱۳۷۸). *اندیشه‌های کلامی شیخ طوسی*. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- Tieger, Paul D. & Barbara Barron - Tieger (1997). *Nurture by Nature*. Little. Brown and Company Hachette Book Group.